



## چالش‌های رعایت حقوق شهروندی در فرایند جرم یابی

۱. هادی نوری: دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران
۲. صالح عبدی نژاد\*: استادیار مدعو، گروه حقوق، واحد بین‌المللی کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران. پست الکترونیک: [silahlawyer29@gmail.com](mailto:silahlawyer29@gmail.com) (نویسنده مسئول)
۳. علیرضا شکر بیگی: استادیار، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

### چکیده

شهروند فردی است که در رابطه با دولت، از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت تکلیف‌هایی برعهده داشته باشد. اساساً حقوق شهروندی بر سه اصل حقوق مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی بنیان نهاده شده و از ارکان اصلی حقوق بشر محسوب می‌شود. شهروند در جوامع دموکراتیک به افرادی اطلاق می‌شود که تابعیت کشوری را دارا می‌باشند و به تبع این وابستگی از حقوق و مزایایی برخوردار می‌شوند که در قانون اساسی و سایر قوانین عادی در آن کشور به تصویب رسیده است. شهروندی به عنوان یک پایگاه و نقش اجتماعی مدرن فراگیر، مجموعه‌ای به هم پیوسته از حقوق و وظایف برابر همگانی ناظر بر احساس تعلق اجتماعی به جامعه و موثر در مشارکت همگانی فارغ از تعلقات نژادی، قومی، طبقاتی، فرهنگی و مذهبی است. حقوق شهروندی که مبتنی است بر قرارداد متقابل اجتماعی و یک سلسله حقوق متقابل دولت بر مردم و مردم بر دولت و به عنوان یک احساس مشترک عمومی نسبت به هویت ملی و اجتماعی با موانع و مشکلاتی همراه است. موانع و مشکلات اجرای حقوق شهروندی در ایران، بیش از هر عوامل معطوف به عدم تبیین جایگاه حقوق شهروندی، فقدان آموزش حقوق شهروندی و عدم نهادینه شدن آن در لایه‌های متعدد اجتماعی است.

واژگان کلیدی: جرم یابی، فرایند، چالش، حقوق شهروندی.

نوری، هادی، عبدی نژاد، صالح، و شکر بیگی، علیرضا. (۱۴۰۲). چالش‌های رعایت حقوق شهروندی در فرایند جرم یابی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۵(۴)، ۲۱۵-۲۰۲.

© ۱۴۰۲ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.



## ۱- حقوق شهروندی

از عوامل توسعه حقوق کیفری در عصر حاضر، مفاهیم و معیارهای حقوق شهروندی است. این مفاهیم و معیارها که در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای شناسایی شده و مورد حمایت قرار گرفته‌اند، به ویژه بر قوانین و مقررات ملی مربوط به آیین دادرسی کیفری تأثیر آشکار داشته‌اند. بارزترین جنبه چنین تأثیری، حقوق شهروندی یا تضمین‌های حقوقی متهم در برابر مراجع انتظامی و قضایی است.

پیچیده‌ترین و حساسترین مرحله دادرسی، مرحله کشف جرایم است. در این مرحله، روانشناسی و حقوق به شدت درهم می‌آمیزند. برخلاف مراحل دیگری که بیشتر بار بار روانی دارد. نمی‌توان بحث کشف جرم و حقوق متهم حقوقی دارد، این مرحله عمدتاً فلسفه حقوق را بدون پیوند عمیق با جنبه‌های روانی مورد بحث قرار داد، بلکه اساساً شهروندی متهم در مرحله کشف جرم، جنبه‌های روانشناختی دارد.

دستیابی به هدف اصلی حقوق کیفری که مبارزه علیه بزهکاری و حفظ نظم و امنیت و آسایش افراد جامعه است<sup>۱</sup> - بدون شناسایی و کشف جرم ممکن نیست. به موجب بند ۱ ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، در مقام ضابط دادگستری، تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی، در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم،

به موجب قانون اقدام میکند و چرخهای عدالت کیفری را به حرکت در آورده و مبارزه عملی با جرم و مجرمان را تحقق می‌بخشد<sup>۲</sup> آنچه در مرحله کشف جرم توسط پلیس مقتدر به عنوان سیاست‌های کلی مدنظر قرار می‌گیرد، کشف حقیقت است و لازمه آن، این است که دلایل بی‌گناهی متهم نیز جمع آوری شود<sup>۳</sup> یک آیین دادرسی مطلوب باید به گونه‌ای باشد که علاوه بر تأمین منافع جامعه، شهروند بیگناه را

در اثبات بیگناهی اش یاری کند. این مهم برآورده نمیشود، مگر اینکه حقوق متهم در جریان دادرسی رعایت شود. در مفهوم شهروندی، این افراد نیستند که تابعی از دولت قرار می‌گیرند، بلکه دولت تابعی از شهروندان و مبتنی بر تصمیم‌گیری و خواست آنهاست. بر همین مبناست که شهروندی جزء اصول، مؤلفه‌ها و پیش شرطهای دموکراسی در نظر گرفته شده است.

در ارتباط با حقوق شهروندی می‌توان به سه نوع حق اشاره کرد:

- حقوق مدنی که به حقوق فردی در قانون اطلاق می‌شود و شامل آزادی افراد برای زندگی در مکان دلخواه، آزادی بیان و مذهب، حق مالکیت، حق دادرسی یکسان در برابر قانون و... می‌شود؛

- حقوق سیاسی به ویژه حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن، انتخاب کردن؛

- حقوق اجتماعی که به حق طبیعی فرد برای بهره‌مند شدن از حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیتی مربوط می‌شود و شامل مزایای بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی و تعیین حداقل دستمزد و غیره می‌شود.

حقوق شهروندی چیزی نیست که از طرف حاکمیت به مردم اعطا شود. حقوق شهروندی در نزد شهروندان واقعی، ثابت و محفوظ است و یکی از ویژگی‌هایی است که شهروندی با دارا بودن آن شکل می‌گیرد. حقوق شهروندی را دولت ایجاد نمیکند، بلکه باید آن را رعایت کرده و از آن حمایت کند و حتی آنجا که خود، این حقوق را نقض کرده، جبران کند.

<sup>۱</sup> - طبیعی، نظام قضایی، ۱۳۷۰، ۷۸ ص

<sup>۲</sup> - آخوندی زاده، ۱۳۹۴، کلیات و دعاوی ناشی از جرم، ۵۳ ص

<sup>۳</sup> - جهانتاب، تحلیل و ارزیابی فقهی و حقوقی تأخیر ثمن بر شروط ضمن عقد در حقوق مدنی ایران. ۱۳۸۴، ۱۲۵ ص

موفقیت مردم سالاری منوط به وجود جامعه‌ای است که مردم آن، علاوه بر بلوغ دموکراتیک به حقوق و تکالیف شهروندی خود نیز واقف باشند. تلاش برای ایجاد دموکراسی در جوامعی که مردم آن به حقوق و تکالیف شهروندی خود آگاه نیستند، می‌تواند موجب بروز هرج و مرج‌های اجتماعی شود<sup>۱</sup>

امروزه قوانین آیین دادرسی کیفری در بسیاری از کشورهای جهان در جریان ناظر به اصول حاکم اصلاح و تغییرات اساسی قرار گرفته است. این اصلاحات عمدتاً بر آیین دادرسی و رعایت حقوق شهروندی متهمان است. هر چند عواملی که باعث این تحول در نظام کیفری می‌شود متعدد است، اما در اصل یک هدف مشترک در آن دیده می‌شود، که عبارت است از تلفیق حقوق شهروندی با آنچه که عدالت کیفری مفید و مؤثر به آن نیاز دارد. در اعمال این هدف، نوع جرم تأثیری ندارد<sup>۲</sup>

پس فرآیند جرم‌یابی ادله اثبات جرم را فراهم می‌نماید که باعث اثبات بیگناهی یا گناهکاری افراد در دادگاه می‌شود و همین امر گواه بر اهمیت و حساسیت این فرآیند بوده و لزوم پرداختن به ابعاد مختلف آن را توسط محققین و پژوهشگران مشخص می‌نماید.

الزامات و چارچوب اساسی فرآیند جرم‌یابی توسط قانون مشخص می‌گردد اما همیشه متون قانونی با امکانات پلیسی و قضایی تطابق کامل ندارند مثلاً زمانی که از الزام بازجویی از کودکان توسط پلیس زن سخن گفته می‌شود و در قانون عنوان می‌گردد انتظار این است که در همه موارد این موضوع رعایت گردد اما ممکن است در زمان‌ها و مکان‌های مختلف دسترسی به پلیس زن امکان پذیر نباشد و به ناچار یک پلیس مرد از یک کودک بازجویی کند. این موضوع را قانونگذار هم درک کرده و به جای الزام از عبارت در صورت امکان استفاده می‌کند چون قانونگذار هم می‌داند که شاید در برخی موارد امکانات پلیس با شرایط همخوانی نداشته باشد اما در برخی موارد قانونگذار الزاماتی را تعیین نموده که رعایت آن‌ها تأثیر منفی بر فرآیند جرم‌یابی دارد و عدم رعایت آن‌ها نیز تأثیر منفی بر حقوق شهروندی<sup>۳</sup>.

### ۱-۱- تعریف حقوق شهروندی

حقوق شهروندی مجموعه مقررات و قوانینی است که در ابعاد حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و قضایی جهت اتباع یک کشور به طور یکسان در نظر گرفته شده و این افراد در مقابل، مکلف به مساعدت مسئولانه در برابر جامعه سیاسی خود (دولت) هستند. در واقع حقوق شهروندی روایتی است تازه از حقوق طبیعی، یعنی حقی است که لازم و ملزوم طبیعت انسانی است به عبارت بهتر به واسطه حیثیت انسانی و به جهت کرامت ذاتی که خاص اوست دارای یک سلسله حقوق و آزادی‌هایی شده از قبیل حق حیات، حق احترام، حق آزادی، حق مساوات و حق امنیت و... این حقوق عطیه کسی نیست تا کسی بتواند آن را بازپس گیرد، بلکه هدیه‌ای است الهی و هیچ مقام بشری از جمله حکومت یا مقامات مذهبی این حق را اعطا نمی‌کند این حقوق غیرقابل انتقال، غیرقابل نقض، غیر قابل تعلیق و غیرقابل انفکاک از ذات بشرند.

دارای خاصیت همگانی و جهان شمولند و هر فرد بشر در هر کجا که باشد با هر نژاد، جنس، زبان و دین از این حقوق برخوردار خواهد بود. در دانشنامه سیاسی، شهروند فردی است که در رابطه با دولت، از سویی برخوردار از حقوق سیاسی و مدنی است و از سوی دیگر در برابر دولت تکلیف‌هایی برعهده داشته باشد که این رابطه را شهروندی گویند. چگونگی رابطه شهروندی و حقوق فرد و تکالیف او در برابر دولت را قانون اساسی و قانون مدنی هر کشور معین می‌کند. حال منزلت شهروندی در عین برای فرد در ارتباط با یک دولت است که از نظر

۱- رحمتی، پیشگیری از جرم و آموزه‌های دینی»، رهیافت‌های نوین پیشگیری از جرم (مجموعه مقالات همایش پیشگیری از جرم، ۱۳۹۱ ص ۱۴۲

۲- آشوری، آیین دادرسی کیفری، ۱۳۷۶ ج ۱، ۱۴۳ ص

۳- ایمانی سطوت، علی. (زمستان ۱۳۸۵) «حقوق شهروندی در حکومت نبوی»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۴۲.

حقوق بین الملل نیز محترم شمرده می‌شود. در این مفهوم به طور اساسی کسی شهروند شمرده می‌شود که تنها فرمان بردار دولت نباشد، بلکه از حقوق فطری و طبیعی نیز برخوردار باشد و دولت این حقوق را رعایت و از آن‌ها حمایت کند<sup>۱</sup>

## ۱-۲- اصول حاکم بر رعایت حقوق شهروندی

حقوق شهروندی مدرن جدای از حقوق بشر به شمار می‌آید. این استقلال بدین مفهوم است که باید با دید و نگاهی خاص این علم را تعریف کرد؛ زیرا کارکردهای آن متفاوت از حقوق بشر است. حقوق شهروندی، به روابط شهرنشینان با همدیگر و رابطه شان با ارگان‌های دولتی دلالت دارد و از این لحاظ باید آن را تفسیر خاصی از حقوق شهروندی به مفهوم عام به شمار آورد. حقوق شهروندی رابطه دولت و شهروندان را مشخص می‌کند. حقوق شهروندی مورد نظر ما همان قواعدی است که مرتبط با شهرداری دولت است. پس حقوق شهروندی در ظرفیت مشارکت مردم اثر دارد؛ بنابراین قطعاً آگاهی از آن نیز بر میزان مشارکت اثرگذار است<sup>۲</sup>.

باین حال حقوق شهروندی برخلاف حقوق بشر که همه انسان‌ها صرف نظر از نژاد، ملیت و دین و زبان از این حقوق بهره مندند، محدود است؛ زیرا حقوق شهروندی فقط و در رابطه فرد با دولت و جامعه سیاسی کشور-شهر یا دولت-دولت معنا پیدا می‌کند، در حالی که حقوق بشر حقوقی فراگیر و بنیادی است<sup>۳</sup>

حقوق شهروندی در جایی مطرح می‌گردد که حقوق بشر قرار است در یک جامعه مدنی ذیل یک حکومت خاص شکل قانونی و اجرایی به خود بگیرد<sup>۴</sup> به عبارت دیگر حقوق شهروندی مربوط به آن بخش از حقوق عمومی و حقوق بشر است که حقوق سیاسی و اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهروندان را از حیث تابعیت سیاسی‌شان به شهر شناسایی و محافظت می‌کند.

ارکان شهروندی<sup>۳</sup> - شهروندی دارای چهار جزء اصلی است.

## الف- برخورداری از حقوق

شهروند از یک مجموعه حقوق برابر با دیگر افراد برخوردار است که برای نیل به اهداف و مقاصد خصوصی و ایفای نقش عمومی الزام و ضروری هستند. بسیاری از این حقوق دوسویه اند؛ برای نمونه، حقوق ناظر بر اموال و آزادی بیان، می‌تواند هم با هدف توانمند ساختن مردم برای تعقیب برنامه‌های شخصی زندگی و ایده‌های فردی باشد و هم به شرط عنوان پیش شرط‌هایی برای شهروندی فعال در نظر گرفته شود. بدون میزان معینی از وابستگی اقتصادی و بدون حق بیان آزاد، آنچه یک فرد در نظر و ذهن دارد در گفتگوهای عمومی سهم به سزایی داشته باشد.<sup>۵</sup>

## ب- وجود تکالیف

همراه و ملازم با حقوق، مجموعه تکالیفی نیز وجود دارد: احترام به قانون و رعایت آن نه به معنای رعایت قانون در مواردی که شدیداً ناعادلانه به نظر می‌رسد؛ پرداخت مالیاتها به نفع عدالت اجتماعی؛ انجام وظیفه کردن در هیأت منصفه هنگامیکه برای چنین کاری فرا خوانده می‌شود و مانند آن، نمونه‌هایی از تعهدات و تکالیف شهروندان است. تعهداتی که ما را در برابر هیأت حاکمه متعهد می‌کند چون متقابل است،

۱ - کامیار، ۱۳۸۲، حقوق شهری و شهرسازی، ص ۲۵

۲ - علوی، حقوق ایران و اسناد بین المللی: ۱۳۳۱ ص ۲۰

۳ - جاوید، حقوق شهروندی در نظام قضایی، ۱۳۴۵ ص ۱۲۰

۴ - همان منبع، ۱۳۳۱، ص ۲۳

۵ - Mayer, D. G. (2000). The funds, Friends and faith of happy people. American Psychologist, 55: 56-67.

الزامی است و ماهیت این تعهدات به کیفیتی است که با انجام آن انسان در عین حال که برای دیگران کاری می‌کند برای خود نیز کاری انجام می‌دهد؛ اراده عمومی همسو با خواست فردی است. در واقع در هر صورت فرد -گرایی و خود دوستی که امری غریزی و ذاتی است نمایان است. تساوی حقوق و اصل عدالت نیز مؤید این است که فرد و خواستها مهم است. امری که زاییده سرشت طبیعی آدمی است؛ به همین دلیل اراده عمومی برای آنکه واقعاً اراده عمومی باشد، باید در موضوع و جوهر خود اراده عمومی باشد. باید از همه افراد جامعه به وجود آمده باشد تا برای همه قابل اعمال باشد؛ هر زمان اراده عمومی به موضوعی فردی و اختصاصی گرایش پیدا کند، سلامت طبیعی خود را از دست می‌دهد؛ زیرا در این حالت با پرداختن به اموری که با خیر و صلاح جامعه بیگانه است اصل انصاف و درستی را راهنمای خود قرار نمی‌دهد.<sup>۱</sup> به طور کلی تعهد و تکلیف رکن اساسی شهروندی محسوب می‌شود.

### ج- دفاع از حقوق سایر اعضای جامعه

شهروندی متضمن تمایل به گام برداشتن فعال برای دفاع از حقوق سایر اعضای جامعه سیاسی است و به طور کلی مشتمل بر تقویت و ارتقای منافع مشترک جامعه سیاسی است. شهروند کسی است که هنگامیکه قادر به جلوگیری از یک اقدام جنایی است، موظف به دخالت در آن است یا کارمندی است که برخی از اقدامات فاسد حکومت را با علم به هزینه احتمالی آن یعنی از دست دادن حرفه اش افشا می‌کند نهایتاً شهروند کسی است که آماده انجام خدمات عمومی به هنگام نیاز باشد.

دیوید میلر پیشنهاد می‌کند که شهروند باید در حفاظت از حقوق سایر اعضای اجتماع فعال باشد و در همه جنبه‌های سیاست مشارکت کند. از این رو از مهاجرانی که به عنوان شهروند پذیرفته می‌شوند، انتظار می‌رود که کاملاً در زندگی عمومی مشارکت کنند.<sup>۲</sup>

### د- مشارکت فعال در صحنه‌های اجتماعی

شهروند نقش فعالی در صحنه‌های رسمی ایفا می‌کند. مشارکت سیاسی صرفاً به منظور نظارت بر زیاده‌روی حکومت یا به منظور تقویت منافع بخش خاص انجام نمی‌گیرد، بلکه به عنوان راهکارهایی برای بیان تعهدات اجتماعی صورت می‌گیرد؛ چراکه شهروندی با مشارکت شناسایی می‌شود. زنان و مردان می‌خواهند درباره اینکه چه کاری به نام همه آن‌ها انجام می‌گیرد، به توافق برسند؛ البته این وضعیتی آرمانی است. در واقع هیچ تصمیمی همواره با اتفاق آرا اتخاذ نمی‌گردد اما اگر مذاکره سیاسی با توافق به عنوان یک آرمان متعارف صورت گیرد، ابزار رسیدن به سیاست‌هایی خواهد بود که هرکسی به صورت بالقوه می‌تواند از آن حمایت کند یا در گامی دیگر از سیاست‌هایی که سایرین اعتراضاتی اصولی به آن‌ها دارند زمانی که بدیل‌های معقول دیگری وجود دارد، حمایت نمی‌کنند.<sup>۳</sup>

## ۲- جرم‌انگاری

جرم و جنایت از ابتدای خلقت، همراه بشر بوده و به عنوان پدیده‌ای که ریشه در تاریخ زندگی اجتماعی انسان‌ها دارد، همگام با پیشرفت جوامع رشد کرده است. از قتل هابیل به دست برادرش قابیل تا واقعیت‌ها و جرائم مجازی، همگی گواه بر این ادعا بوده‌اند و نتیجه آن تغییر دائمی قوانین و مقررات بر حسب شرایط موجود است. در تمام این دوران برای کشف جرم و انتساب آن به مجرم، گاه از تجربه‌های فردی و

<sup>۱</sup> - روسو، قرارداد اجتماعی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۱

<sup>۲</sup> - کاستلز، استقن و الیستر دیویدستون (۱۳۸۳). مهاجرت و شهروندی، ترجمه فرامرز تقی‌لو. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی غیرانتفاعی. ص ۹۱

<sup>۳</sup> - پرویزی، رضا، پیشگیری وضعی و نقش آن در پیشگیری از قتل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ۱۳۸۱، ص ۲۱

گروهی بهره جسته و گاه از قواعدی پیروی کرده اند که ضمن اقتناع فرد و جامعه، مجرمان را شناسایی، جرائم را کشف و هدف نائل شده است.

نظر به اینکه گام اول در هر دادرسی کیفری کشف جرم است و علوم جرم یابی در سراسر فرآیند کیفری کاربرد دارند، علوم جرم یابی معین آیین دادرسی کیفری محسوب شده و وظیفه تفکیک جرم از غیر جرم و مجرم از غیر مجرم را به عهده دارند. با این وجود، حتی در زمینه جمع آوری و استفاده از دلایل علمی در جریان دادرسی کیفری نیز چالش‌ها و موانع بی شماری وجود دارد که رفع آن‌ها مستلزم همکاری کلیه اصحاب پرونده اعم از دولت، مقامات قضائی و نقش مؤثر دلایل مادی متخصصان علوم جرم یابی و خانواده‌های قربانیان خواهد بود. بنابراین با توجه به اهمیت برای اثبات وقوع جرم و شناسایی مجرم و نیز اثبات بیگناهی کسانی که بی جهت در مظان اتهام قرار گرفته اند و همچنین به علت غیرممکن بودن رد و انکار اینگونه دلایل، رعایت اصول علمی که در قالب اصول حاکم بر بررسی صحیح و حفظ درست صحنه جرم همراه با جمع آوری دلایل و جرم یابی نامگذاری می‌شوند.<sup>۱</sup>

## ۲-۱- تعریف جرم انگاری

حقوق جزا در یک جامعه، نماد قدرت دولت است که بایستی پا به پای آزادی و قانون وجود داشته باشد و هر سه (قدرت، آزادی و قانون) همراه همدیگر پیش روند، چون «دولت باید به منظور جلوگیری از سوءاستفاده از آزادی، قدرت داشته باشد. آزادی و قانون بدون قدرت به معنای هرج و مرج است. قانون و قدرت منهای آزادی مساوی با استبداد است و قدرت بدون آزادی و قانون صفت بربریت است»<sup>۲</sup> از طرف دیگر باید توجه داشت که با توجه به این که در کشور ما قانون اساسی، در رأس هرم قرار دارد و قوانین دیگر باید از این قانون تبعیت کنند، لذا نمیتوان بدون پایبندی به قواعد و اصول قانون اساسی، قوانین کیفری را تدوین و تنظیم کرد؛ چرا که قانون اساسی عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر و همچنین تعریف کننده اصول سیاسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت یک کشور و تعیین و تضمین کننده حقوق شهروندان کشور میباشد. تکلیف حکومت به تضمین حقوق و آزادی‌های فردی و حقوق سیاسی و اجتماعی مردم، زمینه ساز ایجاد امنیت حقوقی و قضائی و موجب تحکیم مودت بین ملت و حکومت می‌شود که ظهور آن در نظم و امنیت اجتماعی متجلی می‌گردد<sup>۳</sup>

## ۲-۲- معیارهای اسلامی جرم انگاری

حفظ مصالح خمسسه احکام: اسلام تابع مصالح و مفاسد واقعی هستند و ارتکاب حرام و ترک واجب در اسلام جرم محسوب می‌شوند. فقها، معیارهای جرم‌انگاری در اسلام را در قالب پنج مصلحت دین، جان، عقل، ناموس و نسل و اموال مردم مطرح نموده اند و این پنج مصلحت را از اهداف تحریم و ممنوعیت اعمال دانسته اند و بر همین اساس، هر عملی که به یکی از این مصلحتها آسیب رساند جرم محسوب می‌گردد از این رو، زنا و اعمال منافی عفت به دلیل حفظ و بقای نسل و ناموس؛ قتل به دلیل تعرض به جان؛ سرقت و امثال آن به دلیل تعرض به مال مردم؛ شرب خمر و سایر مسکرات به دلیل مخدوش ساختن عقل و هوش انسان‌ها و بالاخره ارتداد به دلیل تعرض به حریم عقیده و مکتب و هرج و مرج در اعتقادات افراد جرم به حساب می‌آید<sup>۴</sup>

۱- آقابابایی، حسین، «گفتمان فقهی و جرم انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت»، مجله فقه و حقوق

۲- نویمان، فرانتس، «آزادی، قدرت و قانون»، ویراستاری و گردآوری هربرت مارکوزه، ترجمه عزت الله فولادوند، تهران، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی. ص ۱۶.

۳- قاضی، سید ابوالفضل، ۱۳۸۳، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج ۱۱، تهران، نشر میزان، صص ۱۰۳ و ۱۱۵

۴- دهقان، تأثیر زمان و مکان بر قوانین جزائی اسلام، ص ۱۱۹

حفظ مصلحت عمومی اصل کلی در نظام کیفری اسلام این است که اجرای تعزیر (مجازات) جز در باره معصیت، یعنی عملی که بذاته و به وسیله نص تحریم شده، ممکن نیست؛ ولی در صورتی که مصلحت عمومی ایجاب کند، اسلام اجرای تعزیر را در مواردی که نصی بر تحریم آن بذاته وارد نشده جایز می‌شمارد<sup>۱</sup>.

بنابراین وصفی که سبب تجریم افعال و حالات و در نتیجه تعزیر مرتکبان آن‌ها است، زیان رساندن به مصلحت یا نظم عمومی می‌باشد. براساس این دیدگاه، زیان فردی باید برای دفع زیان عمومی تحمل گردیده و زیان سنگین‌تر با زیان سبک‌تر دفع شود<sup>۲</sup>. مجوز پذیرش این نوع جرم انگاری در نظام اسلامی، ضرورت‌های اجتماعی است؛ چرا که حمایت از نظم و مصالح عمومی جامعه، مستلزم وجود نصوص انعطاف پذیری است که با همه زمان‌ها و شرایط و احوال سازگار باشد و هیچ چیز برای نیازهای جامعه، انعطاف پذیرتر و سازگارتر از معیارفوق نمی‌باشد<sup>۳</sup>.

در واقع، در نظام کیفری اسلام بر خلاف حرام انگاری، جرم انگاری مقوله‌ای حکومتی است با هدف حفظ و تامین مصالح عمده و نظم عمومی و دفع مفاسد مهمه فردی و اجتماعی که می‌تواند قلمرو محدودی از رفتارها را در حد ضرورت در برگیرد<sup>۴</sup>. قانونگذار عادی در صورت اعمال محدودیت بر اصول یادشده از طریق جرم انگاری، ملزم به اثبات دلیل و ضرورت محدودیت می‌باشد؛ بنابراین در این بند به معیارها و ضوابطی اشاره می‌گردد که قانونگذار عادی می‌تواند براساس آن معیار و ضوابط به جرم‌انگاری بپردازد که این معیارها را به دو صورت معیارهای عام و معیارهای خاص مورد اشاره قرار می‌دهیم. معیارهای عام جرم‌انگاری در قانون اساسی منظور از معیارهای عام، معیارهایی است که قانونگذار اساسی آن‌ها را بر کلیه حقوق و آزادی‌ها حاکم کرده است. این معیارها در دو اصل ۹ و ۴۰ قابل برداشت است.

### ب- جلوگیری از تجاوز به منافع عمومی

نفع عمومی لزوماً مجموع منافع تمامی افراد جامعه نیست بلکه درحالت ایده آل، مصلحتی است که جمع کثیری در جامعه از آن سود می‌برند. البته محاسبه نفع عمومی، نفع عددی نیست، بلکه محاسبه هندسی و اخلاقی می‌باشد و در واقع نفع عمومی را باید به عنوان نفع برتر تفسیر کرد ولی اینکه معیار برتری نفع چیست و کدام نفع برتر است؟ خود مبهم می‌باشد در نظام حقوقی ما، قانونگذار اساسی و عادی، تعریفی از منافع عمومی و مؤلفه‌های آن ارائه نداده است، در حالی که با توجه کشداربودن این مفهوم و برای جلوگیری از سوء استفاده از آن ضرورت داشت قانونگذار اساسی به این مهم اهتمام مینمود<sup>۵</sup>.

در نتیجه جرم انگاری در حدود مقرر در قانون اساسی به شهروندان این اطمینان را می‌دهد که آزادی، جان، مال، حیثیت و امنیت آنان مورد تعرض قانونی قرار نخواهد گرفت مگر این که طبق قانون اساسی، استحقاق آن را داشته باشند. در واقع مهمترین کارکرد جرم انگاری دستورگرا، ایجاد توازن بین حقوق و آزادی‌های فردی و مصلحت عمومی است و نقش شورای نگهبان در این خصوص بسیار پر رنگ و تعیین کننده است.

۱- صافی، انواعه و ملحقاته، ص ۱۳۹

۲- موسوی اردبیلی، فقه الحدود و التعزیرات، ص ۸۱

۳- عوده، عبدالقادر، حقوق جنائی اسلام، ج ۱ ص ۲۰۲

۴- حسینی، رابطه مفهوم شرعی گناه و مفهوم حقوقی جرم و نسبت تحریم و تجریم، ص ۶۵۲

۵- کاتوزیان، مبانی حقوق عمومی، ۱۳۸۹، صص ۱۳۶-۱۳۷

## ۲-۳- نظریه‌های شهروندی

ارسطو معتقد است که از مهم‌ترین شاخص‌های حکومت خوب، حاکمیت و تفوق قانون بر جامعه و شهر است. به نظر او شهروند کسی است که حق مشارکت در سرنوشت جامعه، احراز مناصب و دادرسی دارد. ارسطو فضیلت را در گرو به دست آوردن حکمت عملی می‌داند که برای همه شهروندان میسر است. لذا همه شهروندان باید هم شیوه فرمانبری را بیاموزند و هم رموز فرماندهی را<sup>۱</sup> به نظر او در دولت شهر عده‌ای آزاد و شهروند و عده‌ای برده تلقی می‌شوند و ماهیت سیاسی دولت شهری نیز بر همین اساس از مفهوم شهروندی بنا گذاشته شده است. ولی با وجود این تفاوت‌های کیفی در یک چیز با هم مشترکند و آن عنوان شهروندی است. همه اعضای دولت شهر شهروندان آن محسوب می‌شوند و به همین دلیل از حق حاکمیت سیاسی به طور برابر برخوردار هستند<sup>۲</sup> از نظر مارشال، شهروندی نوعی منزلت اجتماعی است که جامعه آن را به تمامی اعضا نموده و به موجب آن تمامی افراد از جایگاه حقوق و وظایف برابر که توسط قانون حمایت و تثبیت شده برخوردارند. مارشال بر آن است که این حقوق دارای سه بعد اجتماعی اساسی است: حقوق مدنی و شهروندی مدنی، مانند حق برخورداری از آزادی بیان، مالکیت، مذهب، عقیده؛ حقوق سیاسی و شهروندی سیاسی، مانند حق برخورداری از رأی، عضویت و مشارکت سیاسی و حقوق اجتماعی رفاهی و شهروندی اجتماعی و رفاه، مانند حق برخورداری از رفاه و خدمات اجتماعی، اشتغال، آموزش، امنیت، تامین اجتماعی و مانند آن. برایان ترنر، یک طرح تکمیلی و تجربی برای مطالعه شهروندی ارائه داده است که می‌توان آن را مبنایی برای رویکرد جامعه‌شناسی تجربی شهروندی تلقی کرد. در طرح ترنر، پدیده شهروندی با چهار مؤلفه جامعه‌شناسی تحلیل و تبیین می‌شود.<sup>۳</sup>

## ۲-۳-۱- ارکان شهروندی

ارکان شهروندی<sup>۳</sup> - شهروندی دارای چهار جزء اصلی است: ۱- برخورداری از حقوق: شهروند از یک مجموعه حقوق برابر با دیگر افراد برخوردار است که برای نیل به اهداف و مقاصد خصوصی و ایفای نقش عمومی الزام و ضروری هستند. بسیاری از این حقوق دوسویه اند؛ برای نمونه، حقوق ناظر بر اموال و آزادی بیان، می‌تواند هم با هدف توانمند ساختن مردم برای تعقیب برنامه‌های شخصی زندگی و ایده‌های فردی باشد و هم به شرط عنوان پیش شرط‌هایی برای شهروندی فعال در نظر گرفته شود. بدون میزان معینی از وابستگی اقتصادی و بدون حق بیان آزاد، آنچه یک فرد در نظر و ذهن دارد در گفتگوهای عمومی سهم به سزایی داشته باشد.<sup>۴</sup>

۱- وجود تکالیف: همراه و ملازم با حقوق، مجموعه تکالیفی نیز وجود دارد: احترام به قانون و رعایت آن نه به معنای رعایت قانون در مواردی که شدیداً ناعادلانه به نظر می‌رسد؛ پرداخت مالیاتها به نفع عدالت اجتماعی؛ انجام وظیفه کردن در هیأت منصفه هنگامیکه برای چنین کاری فرا خوانده می‌شود و مانند آن، نمونه‌هایی از تعهدات و تکالیف شهروندان است. باید از همه افراد جامعه به وجود آمده باشد تا برای همه قابل اعمال باشد؛ هر زمان اراده عمومی به موضوعی فردی و اختصاصی گرایش پیدا کند، سلامت طبیعی خود را از دست می‌دهد؛ زیرا در این

۱ - خاتمی ۱۳۸۱ - ۷۴ص

۲ - پرهام، ۱۳۷۸ - ۳۷ص

۳ - توسلی و نجات حسینی، ۱۳۸۳ص ۱۸۷

۴ - میلر ۱۳۸۱ ص ۱۲۷



حالت با پرداختن به اموری که با خیر و صلاح جامعه بیگانه است اصل انصاف و درستی را راهنمای خود قرار نمی‌دهد.<sup>۱</sup> به طور کلی تعهد و تکلیف رکن اساسی شهروندی محسوب می‌شود.

۳- دفاع از حقوق سایر اعضای جامعه: شهروندی متضمن تمایل به گام برداشتن فعال برای دفاع از حقوق سایر اعضای جامعه سیاسی است و به طور کلی مشتمل بر تقویت و ارتقای منافع مشترک جامعه سیاسی است. شهروند کسی است که هنگامیکه قادر به جلوگیری از یک اقدام جنایی است، موظف به دخالت در آن است یا کارمندی است که برخی از اقدامات فاسد حکومت را با علم به هزینه احتمالی آن یعنی از دست دادن حرفه اش افشا می‌کند نهایتاً شهروند کسی است که آماده انجام خدمات عمومی به هنگام نیاز باشد.

## ۲-۳-۲- معانی جرم و فرایند آن

اهمیت دانستن مفهوم این کلمه در آن است که تا زمانی که شناخته نشود، نمی‌توان از پیشگیری آن، سخن گفت. به موجب قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲): هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می‌شود. یکی از حقوقدانان در تعریف جرم، گفته است: جرم عبارتست از کنش‌های مخالف نظم اجتماعی افراد در جامعه که به موجب قانون برای آن مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی تعیین شده است.<sup>۲</sup>

فقهای اسلامی جرم را چنین تعریف کرده‌اند: جرم عبارتست از انجام دادن فعل، یا گفتن قولی که قانون اسلامی آنرا حرام شمرده و بر فعل آن کیفری مقرر داشته است یا ترک فعل یا قول که قانون اسلام آنرا واجب شمرده و بر آن ترک کیفری مقرر داشته است و این از آنجا نشأت گرفته که هرکس از اوامر و نواهی خدای تعالی سرپیچی کند برای او کیفر و مجازاتی معین شده است و آن کیفر یا در دنیا گریبانگیر مجرم می‌شود و در اینصورت بوسیله امام یا نایب او یعنی حاکم شرع و ولی امر و فقیه جامع الشرایط یا قضات منصوب از طرف او به اجراء در می‌آید یا اینکه کیفر در آخرت، مجرم را معذب خواهد داشت و گناهکار در سرای دیگر به سزای عمل زشت و ناهنجار خود خواهد رسید مگر آنکه توبه مجرم مورد پذیرش خدای تعالی قرار گیرد.<sup>۳</sup>

در این مفهوم پیشگیری عبارتست از شیوه‌های غیر قهرآمیز که دولت جهت مهار بزهکاری، از طریق حذف یا محدودسازی عوامل جرم‌زا و نیز از طریق مدیریت مناسب عوامل محیط فیزیکی و اجتماعی که فرصت‌های مناسب ارتکاب جرم را فراهم می‌کند، بکار می‌گیرد. بر این اساس، پیشگیری از طریق تهدید کیفر یا ارباب عمومی یا بازدارندگی، از دایره مفهوم پیشگیری در جرم‌شناسی پیشگیرانه، خارج شده و به پیشگیری به معنای موسع، مربوط می‌شود.<sup>۴</sup>

## ب- پیشگیری از جرم از منظر نظام‌های کیفری نوین و اسلام

امروزه موضوع پیشگیری از جرم در بیشتر نظام‌های کیفری جدید، پیش‌بینی شده است که البته رویکردهای آن‌ها نسبت به این موضوع ممکن است متفاوت باشد. در نظام حقوقی اسلام نیز پیشگیری دارای مفهوم و اهداف خاصی است که توجه بدان ضرورت دارد.

۱ - روسو ۱۳۸۰-ص ۱۶۱

۳- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۸، ص ۴۱

۱- فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام (ج ۱)، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰، ص ۳۰۲

۲ - همان، ص ۴۸

## ۲-۳-۳- پیشگیری از جرم از منظر نظام‌های کیفری نوین

امروزه نظام‌های کیفری پیشرفته جهان، با توجه به یافته‌های دانش جرم‌شناسی، ساز کارهایی را برای پیشگیری از جرم، پیش‌بینی نموده‌اند که دانستن مفهوم پیشگیری از جرم در علم جرم‌شناسی و نیز رویکرد سیاست جنایی نسبت به این موضوع، حایز اهمیت بوده و به فهم بهتر موضوع این رساله کمک خواهد نمود.

مفهوم پیشگیری در جرم‌شناسی: پیشگیری در جرم‌شناسی، جلوگیری از بزهکاری با شیوه‌های گوناگونی که بیرون از نظام کیفری به کار می‌روند، می‌باشد؛ بنابراین، نقطه ثقل پیشگیری در جرم‌شناسی، تدابیر کنشی است. این تدابیر پیشگیرانه که به‌طور جدی نخستین بار از سوی انریکو فری مطرح شد، از اقدام‌های پیشگیرانه واکنشی جدا می‌شود. فری با بینشی میانه‌رو و خوش‌بینانه یک رشته تدابیر دفاع اجتماعی را که هم‌زمان بتواند دربرگیرنده‌ی فرد بزهکار و محیط اجتماعی باشد، پیشنهاد کرد. به عقیده وی در باور فردی محیط اجتماعی باید به‌گونه‌ای سازمان داده شود که پیشگیری از وقوع جرم در آن محفوظ باشد.<sup>۱</sup> مفهوم جرم‌شناسانه‌ی پیشگیری که در اندیشه نامورانی چون فری بارور شده بود، در میان اندیشمندان امروزی نیز بازتاب داشته است.

ریموند گسن، جرم‌شناس فرانسوی، پیشگیری را مجموعه اقدام‌هایی، جز تدابیر کیفری، می‌داند که هدف غایی آن محدود کردن گستره‌ی جرایم، ناممکن ساختن، دشوار کردن یا کاستن امکان وقوع جرم باشد. وی برای تشخیص اقدامات پیشگیرانه چهار معیار در نظر می‌گیرد که عبارتند از: ۱-۱ اقدامی پیشگیرنده تلقی می‌شود که هدف اصلی آن اقدام مؤثر علیه عوامل یا فرایندهایی است که در بروز بزهکاری و انحراف، نقش تعیین‌کننده دارند؛ ۱-۲ اقدام‌های پیشگیرانه، جمعی هستند یعنی مخاطب آن‌ها کل جامعه یا بخش و گروه معینی از جامعه هستند؛ ۱-۳ اقدام‌هایی پیشگیرانه خوانده می‌شوند که قبل از ارتکاب اعمال بزهکارانه یا کجروانه اعمال شوند و نه بعد از ارتکاب آنها؛ اقداماتی پیشگیرانه تلقی می‌شوند که قهرآمیز و سرکوبگر نباشند.<sup>۲</sup>

بدین ترتیب، با توجه به آنچه درباره‌ی پیشگیری در جرم‌شناسی گفته شد، مولفه‌های این مفهوم عبارتند از: نخست، اقدام پیشگیرانه تدبیری است که قهرآمیز یا سرکوبگر نباشد؛ بنابراین، ضمانت اجرای کیفری- چه با هدف سزادهی یا اصلاح و بازپروری و غیره- از گستره‌ی مفهوم جرم‌شناسانه‌ی پیشگیری بیرون می‌ماند. دوم، اقدام پیشگیرانه، تدبیری است که به‌طور مستقیم به پیشگیری اختصاص یافته باشد؛ در نتیجه، اثر نهادهایی چون آموزش و پرورش را تنها به‌طور نامستقیم و در کنار دیگر تدابیر و ابزارها می‌توان پیشگیرنده به شمار آورد. سوم، اقدام پیشگیرانه اگر به ریشه‌کنی جرایم نینجامد، باید از شمار آن بکاهد. به دیگر سخن، پیشگیری از جرم در بردارنده‌ی تدابیری است که بر فرایند گذار اندیشه‌ی مجرمانه به فعل تأثیر بگذارد.

جرمانگاری رفتارهایی چون حمل اسلحه یا ضرب و جرح (برای پیشگیری از قتل) یا ولگردی و تکدی (برای پیشگیری از سرقت) نیز بر همین پایه انجام می‌شود. چهارم، اقدام پیشگیرانه نه‌تنها از راه فرایند گذار اندیشه به عمل بر فرد تأثیر می‌گذارد، بلکه بر موقعیت‌ها یا شرایط محیطی نیز مؤثر است. این مولفه می‌رساند که پیشگیری باید هم‌زمان در بردارنده‌ی فرد و محیط پیرامون او باشد.<sup>۳</sup>

۱-۲- مفهوم پیشگیری در سیاست جنایی: سیاست جنایی به منزله یک رشته‌ی مطالعاتی مستقل و میان رشته‌ای در علوم جنایی، علاوه بر ابزارهای حقوق کیفری از یافته‌های جرم‌شناسی برای پاسخ به پدیده‌ی مجرمانه بهره می‌برد. ترجمان این پاسخ‌ها در سیاست جنایی، مفهومی

۱- رایجیان اصلی، مهرداد، «رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸، ۱۳۸۳، صص ۱۲۵-۱۲۶

۲- برگرفته از: مباحثی در علوم جنایی، تقریرات نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین، پیشگیری از جرم، به کوشش مهرداد رایجیان اصلی و شهرام ابراهیمی، تهران، ۱۳۸۲، ص ۷

۱- رایجیان اصلی، مهرداد، پیشین، صص ۱۲۶-۱۲۷

به نام پاسخ پیشگیرانه‌هاست که به دلیل تنوع به پاسخ‌های واکنشی و کنشی، تقسیم می‌شوند. پاسخ‌های پیشگیرانه کیفری، یکی از مولفه‌های مفهوم مضیق سیاست جنایی است (سیاست کیفری) که در آن، پیشگیری از جرم صرفاً با سرکوبی و اجرای مجازات محقق می‌شود (پیشگیری واکنشی) و پیشگیری کنشی در آن جایگاهی ندارد. پیشگیری واکنشی در این مفهوم یکی از ابزارهای سیاست جنایی برای کنترل جرم است که اصولاً در انحصار دولت قرار دارد و به جامعه مدنی واگذار نمی‌شود. این شیوه‌ها از دیدگاه علمی (جرم‌شناختی)، عبارت است از هر اقدام سیاست جنایی با هدف محدود ساختن امکان رویداد جنایی از راه ناممکن ساختن، دشوار کردن یا کاستن از احتمال وقوع آن، بدون اینکه در این راه بر تهدید کیفر یا اجرای آن تکیه شود.<sup>۱</sup>

### ۳- فرایند پیشگیری از جرم

پیشگیری از جرم به‌عنوان اقدامی در جهت ایجاد امنیت در جامعه و سالم‌سازی آن، فرایندی دارد که علاوه بر نظام‌های کیفری در مکتب اسلام نیز مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به این موضوع در این گفتار، ابتدا به فرایند پیشگیری از جرم در نظام‌های کیفری و پس از آن به این موضوع در آموزه‌های دینی، پرداخته خواهد شد.

#### الف- فرایند پیشگیری از جرم در نظام‌های کیفری

برای پیشگیری از جرم، شیوه‌ها و فرایندهای متعددی پیشنهاد شده است که بیان همه آن‌ها در این رساله نمی‌گنجد؛ از این رو در این گفتار به فرایندهایی که جنبه کاربردی بیشتری دارند پرداخته خواهد شد. در الگوهای علمی ارائه شده برای پیشگیری از جرم، کم و بیش پنج مرحله دیده می‌شود که عبارتند از: ۱- شناسایی مساله جرم و هدف‌گذاری؛ ۲- آسیب‌شناسی علل جرم؛ ۳- انتخاب اقدامات ویژه و ارائه راه حل‌های عملیاتی و کاربردی؛ ۴- اجرای راهکارهای پیشگیرانه؛ ۵- ارزیابی و تعدیل نتایج اجرای برنامه.

#### ۳-۱- شناسایی مساله جرم و تعیین اهداف کاهش جرم

نخستین مرحله از فرایند پیشگیری، مساله‌یابی و به بیان دیگر، تعیین الگوی خطر جرم است. این کار از طریق تجزیه و تحلیل الگوی جرم یا هدف‌گیری بزه‌کاران، صورت می‌گیرد. در تجزیه و تحلیل هر جسمی سه مقوله متفاوت بررسی می‌شود که عبارتند از: ۱-۱- مطالعه فضای جغرافیایی بزه‌موردنظر؛ ۱-۲- تحلیل ساختار جرم و مباشران و بزه‌دیدگان آن و ۳- تحول در نوسانات جرم مذکور در دوره زمانی معین. هدف نهایی اقدامات پیشگیرانه ممکن است کاهش جرم یا محدود کردن آن یا جلوگیری از رشد آن باشد؛ از این رو، در طرح‌ریزی پیشگیری، باید از اهداف کلی و مبهم صرف نظر کرده و هدف را با کمال واقع‌بینی و به طور دقیق مشخص و شاخص‌های ریسک را معین کرد.<sup>۲</sup>

#### ۳-۲- آسیب‌شناسی علل جرم

دومین مرحله از فرایند پیشگیری، تعیین علل جرم است. برای شناسایی علل جرم از نظریات جرم‌شناختی استفاده می‌شود. علل جرم را می‌توان به علل بلاواسطه و علل بعید تقسیم کرد. به موجب نظریه تقارن فرصت مجرمانه، جرم محصول تأثیر عللی بی‌واسطه است که جمع شدن آن‌ها در کنار یکدیگر، موجب وقوع آن می‌شود. در تحقق انواع جرایم، یک بزه‌کار آماده، انگیزه‌مند و توانا از طریق دسترسی به یک هدف آسیب‌پذیر و جذاب برای جرم، در یک محیط مساعد و در غیاب پیشگیران انگیزه‌مند و لایق به دنبال یافتن یا ایجاد موقعیت مجرمانه است. علل بعید جرم متعدد هستند و بسیاری از علل فردی و اجتماعی و محیطی را در بر می‌گیرد، لیکن این دسته از علل از طریق علل قریب

۲- همان، صص ۱۲۷-۱۲۹

۱- محمد نسل، غلامرضا، «فرایند پیشگیری از جرم»، فصلنامه حقوق، ش ۱، بهار ۱۳۸۹، صص ۳۱۹-۳۲۰

جرم عمل می‌کنند. علل قریب جرم را به یازده عنوان تقسیم کرده‌اند. این علل گاهی از ناحیه فرد بزهکار و زمانی نیز از موقعیت ناشی می‌شوند؛ مانند استعداد مجرمیت (یعنی تأثیرات دراز مدت و منحصر به فردی که افراد را مستعد ارتکاب جرم می‌کند)، فقدان مهارت‌های اجتناب از جرم، محیط فیزیکی مناسب برای جرم و غیبت پیشگیران جرم.<sup>۱</sup>

### ۳-۳- انتخاب اقدامات ویژه و ارایه راه‌حل‌های عملیاتی کاربردی (مداخله)

برنامه‌ریزان پیشگیری مجبورند با آسیب‌شناسی علل جرم، نحوه و زمان مداخله‌های پیشگیرانه را انتخاب کنند. اقدامات پیشگیرانه موجب از هم گسیختگی تقارن فرصت جرم شده، خطر وقایع مجرمانه را کاهش داده و در صورتی که همه چیز به خوبی پیش برود، شمار وقایع مجرمانه را که در عمل اتفاق می‌افتند، کاهش می‌دهند. تدابیر پیشگیرانه برای مسایل و زمینه‌های خاص محلی تهیه و بومی‌سازی شوند. تدابیر پیشگیرانه می‌توانند از میان انواع پیشگیری یا تلفیقی از آن‌ها انتخاب شوند.

### ۳-۴- اجرای تدابیر پیشگیری

اجرای پیشگیری شامل هدف‌گذاری و انجام برنامه است. یعنی انجام اقدامات مناسب در خصوص علل جرم به روشی کارآمد، اثر بخش، پایدار و قابل قبول که نیازهای معین و اولویت‌دار بزه دیدگاه و جامعه را مورد هدف قرار دهد. اجرای برنامه‌های پیشگیرانه در جامعه مستلزم تدابیری است که مهمترین آن‌ها عبارتند از: شفاف‌سازی وظایف کاهش جرم و استقرار نهادهای پیشگیرانه.

### ۳-۵- بازخوردگیری، نظارت و ارزیابی

آخرین مرحله از فرآیند پیشگیری (یعنی ارزیابی و تعدیل) از منظر مدیریتی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. بر این اساس، چند نوع فعالیت کاهش جرم وجود دارند که باید مدیریت شوند؛ مانند خدمات روزمره (که شامل اقداماتی چون ارایه رهنمودهای پیشگیرانه از جرم یا انجام تعلیق مراقبتی می‌شود). مدیریت می‌تواند در دو سطح راهبردی یا تاکتیک مورد بررسی قرار گیرد. سطح راهبردی یا فرآیندی با بررسی جرم و نقشه‌های مداخله آغاز می‌شود و سطح تاکتیک مدیریت طرح‌های موردی کاهش جرم تحت یک راهبرد وسیع‌تر را در بر می‌گیرد. هریک از این سطوح ترتیبات متفاوتی را برای مدیریت می‌طلبند. برای سنجش نتایج اجرای برنامه‌های پیشگیری، شاخص‌های مختلفی ارایه شده است. یکی از شاخص‌های سنجش، کاهش یا توقف یا محدود شدن بزهکاری است. این شاخص با ملاحظه نرخ جرایم قبل و بعد از اجرای برنامه قابل دسترسی است. البته تکیه به آمار ظاهری جرم به تنهایی کافی نیست بلکه بایستی از مکانیسم‌های سنجش نرخ واقعی جرایم نیز بهره جست. شاخص دیگر، تغییر رفتار مردم و ملاحظه تغییر ظرفیت‌های مجرمانه و وضعیت‌های ما قبل بزهکاری است.<sup>۲</sup>

### نتیجه‌گیری

حقوق شهروندی در نزد شهروندان، ثابت و محفوظ است و نه تنها آن را دولت ایجاد نمی‌کند، بلکه باید آن را رعایت کرده و از آن حمایت کند و حتی آنجا که خود، این حقوق را نقض کرده است، جبران کند. این حق متهم است که بداند در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی چه حقوقی دارد. باید به شهروندی که در معرض اتهام قرار گرفته اطمینان بدهیم که حقوق او در نظام قضایی رعایت می‌شود و نقض آن دارای ضمانت اجرای کافی است و باید او را آگاه کنیم که اگر این حقوق مورد تعرض هر یک از عوامل و ضابطان دستگاه قضایی از جمله نیروهای پلیس قرار گرفت، برای جبران خسارات وارده و اعاده حیثیت خود چه کند و شکایت به کجا و نزد چه مقامی ببرد. کشف جرایم و

۲- همان، ص ۳۲۰

۱- همان، صص ۳۲۵-۳۲۸

در عین حال ممانعت از صدمه به حقوق شهروندی متهمان و نیز حفظ حیثیت افراد و جلوگیری از صدور محکومیت‌های ناروا که از اهم اهداف آیین دادرسی کیفری است، ارتباط دقیق با نظم جامعه داخلی و همچنین بین المللی دارد. بدیهی است در حفظ منافع جامعه نباید حقوق و منافع فرد، قربانی و نابود شود؛ زیرا اگر عدالت اقتضا میکند که بزهکار واقعی به مجازارت محکوم شود، شرط اجرای عدالت هم این است که فردی که در مظان اتهام است، امکان دفاع از خود را داشته باشد

با وجود این چالش‌ها، در ایران امروز نمیتوان از حقوق پیشگیری به عنوان راهبرد کنشی سازمان یافته، علمی و نظامند سیاست جنایی سخن گفت. ضروری است قانونگذار در فرایند تصویب و یا اصل قوانین و مقررات پیشگیرانه مبانی و اصول راهبردی پیشگیری از جرم به ویژه اصول فرا بخشی، دانش محوری، مشارکت و همبستگی، پایداری و کرامت انسانی را مورد توجه قرار دهد. توجه به این اصول و مبانی می‌تواند علاوه بر نظامندی ساختار حقوق پیشگیری، به توسعه علمای، پایداری و عادلانه آن کمک کرده و از شی گیری حقوق پیشگیری ریسک مدار، غیر عادلانه و غیر علمی جلوگیری کند. توجه به این اصول و مبانی اقتضا می‌کند که قانونگذار تمامی نهادها و ساختارهای موازی پیشگیری از جرم را، که عمدتاً مبتنی بر رویکرد سازمانی و غیر سیستمی هستند، منخ نموده و سیاستگذاری، برنامه ریزی و نظارت در امر پیشگیری را به یک نهاد فرا قوه‌ای واحد با ساختاری فراسازمانی و علمی واگذار نماید. هرچند قانونگذار با هدف تمرکز گرایی و انسجام بخشی به مدیریت امار پیشگیری و انجام یک سلسله وظایف کلان و راهبردی، شورای عالی پیشگیری از جرم را براساس قانون پیشگیری از وقوع جرم ایجاد کرده است، لکن این شورا به دلیل مشکلات ساختاری قادر به انجام این وظایف نیست. برای تقویت جایگاه و اعتبار این شورا می‌توان دو اقدام اساسی انجام داد: نخست این که شورای عالی پیشگیری از جرم در قانون اساسی، اساسی سازی شود و بر آن اساس، قوانین عادی پیشگیری از جمله قانون پیشگیری از جرم بازنگری و اصلاح شود. دوم این که در صورت عدم اساسی سازی، ایرادها و ساختاری قانون و شورای عالی پیشگیری از جرم با بازنگری و اصلاح قانون و بر اساس راه حل‌هایی که در متن به آن‌ها اشاره شد، بر طرف گردد

اقدام اساسی دیگر برای هویت بخشی به حقوق پیشگیری و حفظ اقتدار آن، تغییر ماهیت تعهدات پیشگیرانه دولت‌ها از تکلیف مداری به نتیجه محوری از یک سو و جرم انگاری جرایم دولتی و ایجاد ساختارهای قضایی لازم برای رسیدگی به موارد نقض تعهدات پیشگیرانه دولت‌ها در سطح ملی و حتی جهانی و منطقه‌ای از سوی دیگر است. در مجموع می‌توان گفت هر چند سرشت متفاوت و متناقض بشر از یک سو و ساختار مبتنی بر تعارض منافع کشورها از سوی دیگر، همواره جرم را به یک امر طبیعی تبدیل کرده و تا حدود زیادی حقوق پیشگیری از جرم را در سطح ملی و جهانی با چالش دایمی مواجه ساخته است، لکن با اتخاذ همزمان رویکردهای دانش بنیان و علت شناختی و رویکردهای مدیریتی ریسک مدار نسبت به پدیده مجرمانه می‌توان به تقویت کارآمدی و اثربخشی حقوق پیشگیری کمک کرد. البته اثر بخشی این نو تدابیر محدود به جوامع دموکراتیک و جرایمی خواهد بود که نقض حقوق بشر تلقی می‌شوند و نه جرایمی که در راستای ایجاد، توسعه و تکامل حقوق بشر اتفاق می‌افتند.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

فهرست منابع

- آقابابایی، ح. (۱۳۸۴). گفتمان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت. مجله فقه و حقوق، ۲(۵)، تابستان. چاله‌چاله، ف. (۱۳۸۷). اصول و مبانی پیشگیری از جرم. ماهنامه دادرسی، (۶۷).
- حسینی، س. م. (۱۳۸۹). رابطه مفهوم شرعی گناه و مفهوم حقوقی جرم و نسبت تحریم و تجریم. در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری) (چاپ سوم). تهران: انتشارات سمت.
- دهقان، ح. (۱۳۷۶). تأثیر زمان و مکان بر قوانین جزائی اسلام. قم: انتشارات مدین.
- رایجیان اصلی، م. (۱۳۸۳). رهیافتی نو به بنیان‌های نظری پیشگیری از جرم. مجله حقوقی دادگستری.
- صافی، ل. (۱۴۰۴ق). التعزیر انواعه و ملحقاته ق. م. سؤ، م. سه: النشر الاسلامی.
- عوده، ع. (۱۳۷۳). حقوق جنائی اسلام (ترجمه ا. غفوری، جلد ۱، چاپ اول). مشهد: بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی.
- فیض، ع. (۱۳۶۸). مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلام (جلد ۱، چاپ اول). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاتوزیان، ن. (۱۳۸۳). مبانی حقوق عمومی (چاپ دوم). تهران: نشر میزان.
- محمد نسل، غ. (۱۳۸۹). فرایند پیشگیری از جرم. فصلنامه حقوق، (۱).
- موسوی اردبیلی، س. ع. (۱۴۱۳ق). فقه الحدود و التعزیرات (چاپ اول). قم: دار المفید.
- نجفی ابرندآبادی، ع. (۱۳۹۱). مباحثی در علوم جنایی و پیشگیری از جرم (به کوشش م. رایجیان اصلی و ش. ابراهیمی). تهران: سمت.